

پژوهش‌نامه نقد و هابیت؛ سراج منیر ♦ سال ششم ♦ شماره ۲۳ ♦ پاییز ۱۳۹۵
صفحات: ۵۴-۲۹ ♦ تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۳/۱۲ ♦ تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۰۵/۲۲



بررسی و نقد اندیشه سلفیه جهادی در عملیات انتحاری

علی مقدس*

چکیده

«عملیات استشهادی» از مصادیق جهاد است که به‌عنوان آخرین راه برای مقابله با دشمن متجاوز به‌کار گرفته می‌شود. در مقابل، «عملیات انتحاری» بدون التزام به قواعد و ضوابط استشهادهاد صورت می‌گیرد. در این میان، عده‌ای که خود را به سلف صالح منتسب می‌دانند و جهاد را، تنها راه برقراری حکومت اسلامی می‌خوانند، بدون در نظر گرفتن شرایط جهاد و عملیات استشهادی دست به ترور و انتحار می‌زنند. از نظر شرع، استشهادهاد باید با اذن حاکم اسلامی، با قصد قربت و حفظ جان غیرنظامیان از جمله زنان و کودکان، علیه دشمن متجاوز صورت گیرد که هیچ‌کدام از این موارد در عملیات سلفیه جهادی دیده نمی‌شود و عملاً مرتکب انتحار می‌گردند.

کلیدواژه‌ها: عملیات استشهادهاد، عملیات انتحاری، سلفیه جهادی، فی سبیل الله، دشمن متجاوز.

* دانش‌پژوه مؤسسه دارالاعلام لمدرسة أهل البيت (ع).
ایمیل: Moghadas_ali@yahoo.com

مقدمه

امروزه در دهکده جهانی، مسئله اسلام‌هراسی که سابقه آن به دوران ظهور اسلام بر می‌گردد، در رأس اخبار رسانه‌های دنیا قرار گرفته است. اصلی‌ترین بازیگران اسلام‌هراسی، گروه‌های جهادی نوظهوری همانند القاعده، جبهه‌النصره، داعش و بوکوحرام هستند که به دلیل نداشتن فهم درست از استشهاد و عدم رعایت ضوابط آن، به عنوان یک ابزار هجومی در مقابل مخالفان خود به هر قیمت و انگیزه‌ای از آن استفاده می‌کنند. اکثر رهبران سلفی جهادی تحصیلات دانشگاهی و میدانی داشته‌اند تا اینکه تحصیلات دینی داشته باشند. در حقیقت تصمیم‌های کلان را افرادی می‌گیرند که معمولاً تخصصی در احکام دین و فقه‌الجهاد ندارند. ابومصعب سوری که از نظریه‌پردازان سلفیه جهادی به‌شمار می‌رود برای «مجاهد» شرایطی را ذکر می‌کند که از جمله آن شرایط و لوازم جهاد، دانستن فقه‌الجهاد و احکام آن است. وی به این مسئله اعتراف می‌کند و می‌گوید وقتی مجاهد عازم جهاد می‌شود، بر او واجب است که احکام جهاد اعم از دماء، اموال، حقوق، حلال و حرام را بداند و جایز نیست کورکورانه و بدون علم دست به جهاد بزند. ولی متأسفانه آنان برای رسیدن به اهداف و منویات خود، قواعد فقهی، کلامی و انسانی استشهاد را زیر پا گذاشته‌اند؛ تا جایی که استشهاد را به ترور و انتحار تبدیل کرده و این حرکت جهادی را در معرض تحریف و تغییر قرار داده‌اند. استفاده گروه‌های تکفیری از عملیات انتحاری در قالب عملیات استشهادی، اذهان عمومی را با این پرسش مواجه کرده است که این عمل، نظامیان و غیرنظامیان را مورد حمله قرار می‌دهد و از آنجا که اسلام، دین رحمت و عطوفت است پس چگونه در آموزه‌های اسلامی، غیرنظامیان اعم از زنان و کودکان، با بی‌رحمی تمام و بدترین شکل ممکن به قتل می‌رسند؟ از آنجا که این عمل معمولاً در اماکن عمومی و محل رفت‌وآمد افراد گوناگون انجام می‌شود، سؤالاتی درباره این عمل به ظاهر اسلامی مطرح می‌شود که آیا اسلام این عمل را پذیرفته است؟ ملاک تمیز استشهاد از انتحار چیست؟ با توجه به شباهت ظاهری استشهاد با ترور و

انتحار، تفاوت اساسی این دو با یکدیگر چیست؟ این افراد با چه مبنا و قاعده‌ای به این عمل تن می‌دهند؟ اینها سؤالاتی است که باید به آنها پاسخ داده شود. ما در این نوشتار قصد داریم تا عملیات استشهادی و انتحاری از دیدگاه سلفیه جهادی تکفیری را مورد بررسی و نقد قرار دهیم. ابتدا به ماهیت عملیات استشهادی و انتحاری، پیشینه و سیر آن و سپس به تفاوت‌های این دو عملیات و در نهایت به نقد مبانی و عملکرد سلفیه جهادی در این اقدامات می‌پردازیم. امیدواریم پس از تبیین این دو اصطلاح و بیان تفاوت‌های اساسی آنان که موجب خلط و تحریف این دو مقوله توسط گروه‌های تکفیری و اسلام‌ستیزان شده است، حقیقت این دو عملیات و غیرمشروع بودن اقدامات تکفیری‌ها برای خواننده روشن شود.

مفهوم‌شناسی

در این بخش از مقاله، به بیان مفهوم برخی اصطلاحات مرتبط می‌پردازیم:

استشهاد و عملیات استشهادی

استشهاد در باب استفعال از ماده شهد به معنای «طلب شهادت»^۱ و در اصطلاح نظامی به عملی گفته می‌شود که توسط نیروهای نظامی و شبه‌نظامی در قلمرو دشمن متجاوز، به قصد ضربه زدن به دشمن و تضعیف انرژی، اقتصاد، روحیه و تسلیحات نظامی دشمن صورت می‌گیرد^۲ و شخص مجاهد ظن یا یقین دارد که در این عملیات به شهادت می‌رسد.^۳

پیشینه و سیر عملیات استشهادی

ظهور و پیشینه عملیات استشهادی را به گفته برخی تحلیل‌گران می‌توان در طی سال‌های ۱۹۵۵ تا ۱۹۵۶، در کشور فلسطین دنبال کرد. پس از اشغال سرزمین فلسطین توسط اسرائیل

۱. ابن منظور، محمد، لسان العرب، ج ۳، ص ۲۳۹؛ زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس، ج ۸، ص ۲۵۳؛ فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، ج ۱، ص ۲۹۲.

۲. حمود، سامی بن خالد، الأعمال الفدائیة، ص ۱۱۸؛ سلوم، یوسف ابراهیم، معجم المصطلحات العسكرية، ص ۷۶.

۳. جبر، هانی بن عبدالله، العمليات الإستشهادية صورها و أحكامها، ص ۱۱ تا ۱۲.

و حضور این رژیم در نوار غزه، این عملیات‌ها به دلیل نداشتن سلاح و ابزار دفاعی در مقابل هجوم صهیونیست‌ها جهت ضربه زدن به اسرائیل و اشغال کنندگان به کار گرفته شد.^۱ در سال ۱۹۷۹ نیز چنین عملیاتی در افغانستان و در تقابل با روس‌ها دیده شد.^۲ در سال ۱۹۸۲ نیز در لبنان مورد استفاده قرار گرفت که معروف‌ترین عملیات استشهادی در مقررماندهی رژیم صهیونیستی در ۱۱ نوامبر ۱۹۸۲ صورت پذیرفت.^۳ در طی سال‌های ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۹ از این عملیات در کشور چین استفاده شد.^۴ به نظر می‌آید عملیات استشهادی در کشورهای اسلامی دیگر نیز انجام شده است و سیر عملیات استشهادی، محصور در چند کشور مذکور نبوده است.

در هشت سال جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، در طی سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ ش، رزمندگان ایرانی از این روش در عملیات‌های زیادی به شیوه‌های گوناگون استفاده کردند که از مشهورترین آنها، استشهاد شهید محمدحسین فهمیده است.^۵ لازم به یادآوری است که محل بحث، عملیات استشهادی به شیوه معاصر و استفاده از مواد منفجره است؛ از این رو موارد شهادت طلبانه‌ای که در سه قرن نخست هجری اتفاق افتاده است از دایره عملیات استشهادی معاصر خارج می‌شود. چراکه هر عملیات استشهادی، عملیات شهادت طلبانه است ولی هر عملیات شهادت طلبانه‌ای، عملیات استشهادی نیست؛ زیرا همان‌گونه که گذشت، بیان شد که در عملیات شهادت طلبانه، شخص مجاهد احتمال اینکه جان سالم به در ببرد یا مجروح و جانباز شود بسیار است؛ برخلاف عملیات استشهادی که شخص مجاهد به شهادت خود، ظن یا یقین دارد.

۱. صائغ، انیس، الموسوعة الفلسطينية، ج ۳، ص ۳۹۳؛ حمود، سامی بن خالد، الأعمال الفدائية، ص ۱۳۰.

۲. حقی، احسان، افغانستان و نشأتها و کفاحها، ص ۲۱۷.

۳. حمود، سامی بن خالد، الأعمال الفدائية، ص ۱۳۲.

۴. همان، ص ۱۳۷.

۵. نک: «محمدحسین فهمیده» در سایت ویکی‌پدیا.

جواز عملیات استشهادی

علمای معاصر اسلام برای صدور فتوای جواز این گونه عملیات‌ها، به دلایل گوناگونی از آیات^۱ و روایات^۲ احتجاج کرده‌اند. آنان ماهیت و استفاده از عملیات استشهادی را به عنوان یک ابزار دفاعی در برابر اشغال و تجاوز دشمن و همچنین برای حفاظت از منافع مسلمانان امضا کرده‌اند.^۳ از جمله آنان می‌توان به علمای الأزهر،^۴ علمای اردن^۵ و علمای مصر^۶ اشاره کرد. هیئت افتای کویت در پاسخ به استفتا و حکم عملیات استشهادی می‌نویسد:

العمليات الإستشهادية الموصوفة في السؤال جائزة شرعاً إذا تعينت وسيلة للنكاية في العدو و مقاومته و دفعه عن حرمان المسلمين و بلادهم؛
اگر عملیات استشهادی وسیله‌ای برای آسیب‌رساندن به دشمن و حفظ حرمت مسلمانان و سرزمین آنان باشد، جایز است.^۷

یوسف قرضاوی، سعید رمضان البوطی، شیخ احمد کفتارو - مفتی سوریه -،^۸ امام خمینی رحمه الله،^۹ امام خامنه‌ای^{۱۰} و بسیاری از علمای اسلام به جواز عملیات استشهادی فتوا داده‌اند.^{۱۱}

دلایل دیگری نیز برای حجیت عملیات استشهادی و مشروعیت آن وجود دارد که برای پیشگیری از طولانی‌شدن مطلب به همین چند دلیل بسنده می‌کنیم.

۱. سوره بقره، آیه ۲۰۷؛ سوره توبه: آیات ۴۱ و ۱۱۱؛ سوره انفال، آیه ۶۰؛ سوره حج، آیه ۳۹.

۲. نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲۲۹۹، ج ۳۰۰۵؛ ج ۳، ص ۱۹۰۱.

۳. جرادی، محمد ولید احمد، الإرهاب في الشريعة و القانون، ص ۲۷۷.

۴. تکروی، نواف هایل، العمليات الإستشهادية في الميزان الفقهي، ص ۱۲۰ و ۱۲۱.

۵. همان، ص ۱۱۹ و ۱۲۰.

۶. همان، ص ۱۴۵.

۷. جمعی از نویسندگان، الفتاوى الشرعية الصادرة عن قطاع الإفتاء و البحوث الشرعية، ج ۱۷، ص ۴۲۳.

۸. تکروی، نواف هایل، العمليات الإستشهادية في الميزان الفقهي، ص ۱۲۳ تا ۱۲۵.

۹. خمینی، سیدروح الله، صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۷۲ و ۷۳.

۱۰. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار با جمعی از کارگران و معلمان، لینک:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3117>

۱۱. جمعی از نویسندگان، موسوعة الفتاوى الفلسطينية، ص ۱۷۸.

انتحار و عملیات انتحاری

انتحار در لغت به معنای «خودکشی»^۱ و عملیات انتحاری به معنای «خودکشی و دیگرکشی» است^۲ و در اصطلاح شرعی به معنای «به هلاکت انداختن جان به سبب علل و انگیزه‌های دنیوی و غیردینی» است.^۳

این عمل در اسلام حرام و ممنوع است. عموم و اطلاق آیاتی که بر حرمت قتل نفس عمدی دلالت دارند، شامل قتل نفس خود انسان و قتل نفس غیر نیز می‌شود.
 ﴿أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا﴾؛^۴
 هر کس فردی را جز به قصاص قتل یا فساد در زمین بکشد، چنان است که گویی همه مردم را کشته است.

این آیه به خوبی و روشنی بر حرمت انتحار دلالت می‌کند.

خداوند در آیه دیگری می‌فرماید:

﴿وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾؛^۵

و در راه خدا انفاق کنید و خود را با دست خود به هلاکت ميفکنید و نیکی کنید که خدا نیکوکاران را دوست دارد.

این آیه نیز بر حرمت انتحار و خودکشی دلالت دارد. علمای اسلام نیز با الهام از آیات و روایات، بر حرمت انتحار و خودکشی اجماع دارند؛ زیرا مالکیت جان بشر از آن خداست و جایز نیست که انسان در ملک خداوند بدون رضایت او تصرف کند.^۶

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب؛ زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس؛ فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط. (ذیل ماده نحر)

۲. ملا محمدعلی، امیر، مبانی فقهی عملیات استشهادی، ص ۱۹۴.

۳. تکروری، نواف هایل، العمليات الإستشهادية في الميزان الفقهي، ص ۸۳.

۴. سوره مائده، آیه ۳۲.

۵. سوره بقره، آیه ۱۹۵.

۶. تکروری، نواف هایل، العمليات الإستشهادية في الميزان الفقهي، ص ۸۳.

سیر عملیات انتحاری

عملیات انتحاری پیش از آنکه وارد کشورهای اسلامی شود، ریشه در کشورهای هم‌چون اسپانیا، ایتالیا، یونان، هند، ژاپن، آلمان و فرانسه دارد که از آن به‌عنوان یک تاکتیک جنگی استفاده می‌کردند.^۱ پس از کشورهای غیراسلامی، عملیات انتحاری از کشورهای اسلامی سر برآورد و از این‌گونه عملیات‌ها رونمایی شد. در اوایل تابستان سال ۲۰۰۰، اولین عملیات انتحاری به روش مدرن در چین و علیه نیروهای پلیس رخ داد که به کشته‌شدن ۲۷ نفر و زخمی‌شدن تعدادی از شهروندان منجر شد. ده‌ها عملیات دیگر در چین رخ داد که افراد بی‌گناه بسیاری را از بین برد.^۲ در افغانستان و در خلال سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۸، حدود سیصد عملیات انتحاری توسط طالبان انجام شد و صدها انسان به خاک و خون کشیده شدند.^۳ در عراق از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۹، حدود ۱۲۸۲ عملیات گزارش شده و تاکنون (یعنی سال ۲۰۱۷)، عملیات‌های انتحاری بسیاری انجام شده است که آمار دقیقی از تعداد آن و آمار قربانیان این عملیات‌ها در دسترس نیست.^۴ مردم سوریه نیز هم‌چون مردم عراق، سال‌ها زخم انتحار را در سینه دارند و یکی از کشورهای است که این‌گونه عملیات‌ها به اتفاقی طبیعی برای شهروندان این کشور تبدیل شده است. از باب نمونه‌ای از صدها عملیات انتحاری فجیع و وحشیانه، می‌توان به انتحار و ترور شهروندان فوعه و کفریا در سال ۲۰۱۷ اشاره کرد که ده‌ها زن و کودک بیمار در حال خروج از محاصره قلع‌و‌جمع شدند که بیشترین قربانیان، کودکان گرسنه و افسرده بودند.^۵

در ایران عملیات‌های انتحاری متعددی علیه شهروندان و شخصیت‌های مهم انجام شد که بخشی از آن در طی دهه ۱۳۶۰ به روش غیرمدرن صورت پذیرفت و مسئولیت آن

۱. رکابی، صادق عبدعلی، الانتحار الجماعي، ص ۳۷ تا ۳۸۳.

۲. همان، ص ۵۰۴.

۳. همان، ص ۴۰۳.

۴. همان، ص ۵۹۳.

۵. «جنایت هولناک شنبه سیاه در فوعه و کفریا»، سایت تسنیم، ۱ اردیبهشت ۱۳۹۶، لینک:

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1396/02/01/1384295/فوعه-وکفریا-شنبه-سیاه-درفوعه>

را سازمان مجاهدین خلق (منافقین) به عهده گرفت.^۱ پس از آن در دهه ۱۳۸۰، گروه‌های تکفیری و ضدنظام، عملیات‌های انتحاری علیه شیعیان و اهل سنت انجام دادند.^۲ برای نمونه می‌توان به حمله انتحاری منطقه «پیشین» سیستان و بلوچستان در تاریخ ۲۶ مهر ۱۳۸۸ اشاره کرد که به شهادت سردار پاسدار نورعلی شوشتری فرمانده قرارگاه قدس، سردار محمدزاده فرمانده سپاه سیستان و بلوچستان و تعدادی از فرماندهان و شهروندان اهل سنت انجامید.^۳ مورد دیگر در ۷ خرداد ۱۳۸۸، در مسجد علی بن ابی طالب (ع) شهر زاهدان هم‌زمان با نماز جماعت مغرب و عشا رخ داد که فرد منتحِر^۴ با انفجار خود، ۲۳ نفر را شهید و ۱۲۵ نفر را مجروح کرد.^۵ بار دیگر در شهر زاهدان در ۲۴ تیر ۱۳۸۹، مصادف با جشن میلاد امام حسین (ع)، حمله انتحاری دیگری اتفاق افتاد که ۲۷ نفر شهید و ۱۶۹ نفر مجروح شدند که اهل سنت و شیعیان، از جمله قربانیان این عملیات به‌شمار می‌روند.^۶ در شهر چابهار در تاسوعای حسینی به تاریخ ۲۴ آذر ۱۳۸۹، در نزدیکی مسجد امام حسین (ع) جنایت دیگری در بین عزاداران رخ داد که حداقل ۳۹ نفر شهید و حدود هشتاد نفر زخمی شدند.^۷ مسئولیت بسیاری از این اقدامات انتحاری مذکور در ایران را گروه جندالله به سرکردگی عبدالمالک ریگی به عهده گرفته است.^۸ برخی دیگر از کشورهای اسلامی همچون پاکستان، یمن، مراکش و کویت نیز تجربه رویارویی با این گونه عملیات‌ها را داشته‌اند و نکته قابل توجه این است که عمده قربانیان این گونه عملیات‌ها افراد غیرنظامی اعم از زنان و کودکان هستند.^۹

۱. به عنوان نمونه می‌توان به ترور شهیدان محراب: آیت الله مدنی (ع)، آیت الله صدوقی (ع)، آیت الله دستغیب (ع)، آیت الله اشرفی اصفهانی (ع) و آیت الله هاشمی نژاد (ع) اشاره کرد. نک: <https://www.mojahedin.org>.

۲. کیخا، علیرضا، مرداب انتحار، ص ۱۲۶.

۳. نک: «حملات انتحاری در ایران» در سایت ویکی‌پدیا.

۴. کسی که اقدام به عملیات انتحاری می‌کند.

۵. همان.

۶. همان.

۷. همان.

۸. همان.

۹. رکابی، صادق عبدعلی، الانتحار الجماعي، ص ۶۸۹.

سلفیه جهادی

سلف در لغت به معنای «پیشین»^۱ و در اصطلاح سلفی‌ها، با اقتباس از روایت (خیرُ القرون)^۲ بر سه نسل «صحابه»، «تابعین» و «تابعینِ تابعین» اطلاق می‌شود.^۳ سلفیه به کسانی می‌گویند که در فهم کتاب و سنت، به پیروی از سلف صالح معتقد هستند؛ از این رو هر کسی را که چنین اعتقادی داشته باشد، سلفی می‌نامند.^۴ سلفیه جهادی به کسانی اطلاق می‌شود که داعیه برقراری حکومت و خلافت اسلامی دارند و تنها راه رسیدن به آن را جهاد مسلحانه می‌دانند.^۵ آنان آمیخته‌ای از اندیشه‌های عقیدتی و عملی وهابی قطبی هستند^۶ که به کفر نظام‌های فعلی و جاهلیت جوامع معتقد هستند و تنها راه تغییر را جهاد مسلحانه می‌دانند.^۷ از شخصیت‌های سلفیه جهادی می‌توان از ابومحمد مقدسی، ایمن الظواهری، ابوبکر ناجی و سیدامام نام برد.^۸ گروه‌های جهادی تکفیری همچون القاعده، جبهة النصرة، داعش و بوکوحرام از جمله سلفیه جهادی هستند که جهاد را بر تمامی مسلمانان واجب عینی می‌دانند.^۹ آنان اگرچه خود را پیرو سلف می‌دانند اما در عمل تابع خلف هستند و خود آنها نیز به این موضوع

۱. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۹۵.

۲. عن النبی ﷺ قال: «خیر الناس قرنی، ثم الذین یلونهم، ثم الذین یلونهم، ثم یجیء أقوام تنسب شهادة أحدهم یمینه، و یمینه شهادته»؛ بهترین مردم، مردم قرن من هستند؛ سپس کسانی که پس از آنان می‌آیند؛ سپس کسانی که پس از آنان می‌آیند؛ سپس مردم دیگری پس از آنان می‌آیند که شهادتشان از قسمشان پیشی می‌گیرد و قسمشان بر شهادتشان. (بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ج ۲۶۵۲: نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۲۵۳۳: ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، ج ۲۲۲۱).

۳. فرید، احمد، السلفیه، ص ۷.

۴. همان.

۵. عماد، عبدالغنی، «المفاهیم و الأفكار و العقائد المحورية للحركات الإسلامية»، کتاب الحركات الإسلامية فی الوطن العربی، ج ۱، ص ۹۸؛ مرتضی، محمد محمود، صناعة التوحش؛ التكفير و الغرب، ص ۲۵.

۶. سلفیه جهادی علاوه بر تأثیرپذیری از افکار وهابیت، در مسأله حاکمیت تحت تأثیر افکار سیدقطب نیز قرار گرفتند.

۷. مرتضی، محمد محمود، صناعة التوحش؛ التكفير و الغرب، ص ۲۵.

۸. عماد، عبدالغنی، «المفاهیم و الأفكار و العقائد المحورية للحركات الإسلامية»، کتاب الحركات الإسلامية فی الوطن العربی، ج ۱، ص ۹.

۹. هاشم، محمد یونس، المدارس السلفية و جدلية النقل و العقل و المصلحة، ص ۳۵۷.

اذعان دارند که برخی از خلف را همچون سلف می‌پندارند. ابی حارث همدانی در کتاب الأصول الجهادية می‌نویسد:

اگرچه برخی خلف، از سلف نیستند ولی ما افرادی مثل ابن تیمیه، محمد بن عبد الوهاب، محمد بن عبداللطیف آل‌شیخ، بن باز، بن عثیمین، البانی و بن جبرین را همچون سلف می‌دانیم.^۱

از این عبارت و عملکرد سلفیه جهادی به خوبی می‌توان فهمید که آنها صرفاً عنوان «سلف» را یدک می‌کشند و در بسیاری از موارد به جای اینکه از قول صحابه، تابعین یا تابعین تابعین پیروی کنند، به قول خلف و افرادی که قرن‌ها از سلف فاصله دارند، تکیه می‌کنند و از آنان تبعیت می‌کنند. به عنوان نمونه، شنقیطی صاحب تفسیر اضواء البیان که از مفسران و علمای مورد توجه در نزد تکفیری‌ها است، به اندازه‌ای به نظرات و اقوال ابن تیمیه و شاگردان وی تعبد نشان می‌دهد که گویی او را صحابه‌ای از سلف و مصاحب رسول خدا ﷺ یافته است و در برابر گفته‌های وی تسلیم محض است.^۲

شرایط استشهاد و نقد سلفیه جهادی تکفیری

باید دقت کرد که در عملیات استشهادی شرایطی وجود دارد که بدون در نظر گرفتن این شرایط نمی‌توان به چنین عملیاتی اقدام کرد. عمده شرایط عملیات استشهادی بدین شرح است:

۱. دفاع از اسلام و مسلمانان باشد و به قصد ضربه زدن به نیروهای نظامی، اقتصاد یا روحیه دشمن متجاوز صورت گیرد.

۲. اصل بر صیانت غیرنظامیان و افراد بی‌گناه است.

۳. راه دیگری جز استشهاد وجود نداشته باشد.

۴. این اقدام باید علیه کافران حربی و دشمن متجاوز و با اجازه حاکم شرع صورت گیرد.^۳

از میان شرایط استشهاد به بیان اهم آنها می‌پردازیم:

۱. انصاری، ابو حارث، الأصول الجهادية، ص ۴۷.

۲. طویان، عبدالعزيز بن صالح، جهود الشيخ محمد الأمين الشنقيطي في تقرير عقيدة السلف. (در کل کتاب، این موضوع به چشم می‌خورد).

۳. ملا محمد علی، امیر، مبانی فقهی عملیات استشهادی، ص ۹۳ تا ۹۵.

شرط اول: اذن حاکم اسلامی

علمای اهل سنت انجام عملیات استتشیهادی را به اذن حاکم اسلامی مشروط دانسته‌اند؛^۱ اما این شرط توسط سلفیه جهادی به جهت اذن نگرفتن از حاکم اسلامی^۲ و بلکه قیام مسلحانه علیه حاکمان کشورهای اسلامی، مورد نقض قرار گرفته است.^۳ آنان خود را اهل سنت و جماعت می‌خوانند؛ اما فقه اهل سنت، خروج علیه حاکم را حرام می‌داند.^۴ اگر سلفیه جهادی مانند داعش مدعی شوند که حاکم اسلامی در شرایط فعلی ابوبکر بغدادی است و اعضای القاعده نیز ایمن الظواهری را به عنوان حاکم اسلامی معرفی کنند و عملیات انتحاری را مأذون از جانب ایشان بدانند، پاسخ داده می‌شود که اشخاص مذکور از شرایط لازمی که اهل سنت برای حاکم ذکر کرده‌اند، برخوردار نیستند.^۵ قاضی ابویعلی می‌نویسد:

حاکم علاوه بر اینکه باید دارای علم و عدالت باشد، باید برترین امت خود از حیث علم و دیانت به‌شمار آید تا بتواند حاکم اسلامی محسوب شود.^۶

با این تعریف هیچ‌یک از رهبران سلفیه جهادی صلاحیت حاکمیت اسلامی را ندارند تا بتوانند بر مملکت‌های اسلامی حکمرانی کنند.

شرط دوم: «فی سبیل الله» بودن

در کنار بسیاری از آیات مربوط به جهاد، عبارت «فی سبیل الله» به چشم می‌خورد و این بدان معناست که جهاد همانند دیگر عبادات، یک تکلیف عبادی است^۷ و باید به قصد تقرب و خالصاً الی الله انجام گیرد.^۸ سلفیه جهادی بر این باورند که عملیات انتحاری آنان

۱. بهوتی، منصور بن یونس، کشف القناع عن متن الإقناع، ج ۳، ص ۴۱.

۲. نفیسی، عبدالله فهد، الإسلام و الخروج علی الحاکم، ص ۲؛ حسان، عبدالحکیم، الإنتصار للمجاهدین برد الشبهات المثارة للخروج عن الحکام المرتدین، ص ۱۰۰.

۳. گروه‌های القاعده و داعش بدون دریافت هیچ‌گونه مجوز معتبری به کشورهای مسلمان از جمله عراق و سوریه حمله کردند.

۴. زهری غمراوی، محمد، السراج الوهاج، ج ۱، ص ۵۱۶.

۵. فراء، محمد بن حسین، الأحکام السلطانیة، ج ۱، ص ۱۹.

۶. همان.

۷. طباطبائی، سیدمحمدحسین، المیزان، ج ۲، ص ۶۱.

۸. جمعی از نویسندگان، موسوعة الفتاوی الفلسطينية، ص ۱۹۳؛ ایوب، حسن، الجهاد و الفدائیة فی الإسلام، ص ۱۲۲.

چون به قصد و انگیزه اعتلای کلمه توحید انجام می‌گیرد، عمل آنان فی سبیل الله است؛ هرچند زنان و کودکان و شخص انتحاری در این بین قلع و قمع شوند.^۱ آنان مرز بین استشهاد و انتحار را فقط در نیت خلاصه می‌کنند و می‌گویند ملاک در این عملیات‌ها، نیت است.^۲ آنان معتقدند که اگر نیت، به تنهایی فی سبیل الله باشد، استشهاد است و مجاهد در این اقدام جهادی به «شهادت» می‌رسد و تنها در صورتی می‌تواند انتحار باشد که به علت ناامیدی، بی‌انگیزگی برای ادامه زندگی و خلاصی از دنیا باشد.^۳

در پاسخ به سلفیه جهادی باید گفت که هر نیت خوبی، هرچند به ظاهر الهی باشد، نمی‌تواند فی سبیل الله و دلیلی بر صحت و درستی عمل باشد. ممکن است انسان، نیت خیر و سالمی در سر داشته باشد ولی در عمل مورد توبیخ شرع قرار بگیرد.^۴ باید توجه داشت که کارهای اختیاری انسان، تنها با داشتن دو ویژگی، ارزشمند هستند: ۱. حُسن فعلی داشته باشد؛ یعنی آن کار به خودی خود و بدون در نظر گرفتن انگیزه و نیت فاعل آن، کاری شایسته و خوب باشد. ۲. حُسن فاعلی داشته باشد؛ یعنی انگیزه و نیت فرد از انجام آن، انگیزه‌ای درست باشد. این دو ویژگی در افعالی که از عبادات به‌شمار می‌روند از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند.^۵ بنابراین یک کار خوب زمانی تحقق می‌یابد که هم نفس کار خوب و مفید باشد و هم شخص فاعل، آن عمل را با انگیزه‌های باطل انجام نداده باشد.^۶ از بیان این مطلب روشن می‌شود که تعبیر «فی سبیل الله» در واقع بر حُسن فعلی و مفیدبودن خود آن عمل نظر دارد و تعبیر «لله» یا «قربةً الى الله» حُسن فاعلی را مورد توجه قرار می‌دهد و نشان‌دهنده این است که شخص در انجام کارهای مفید، باید انگیزه

۱. طرطوسی، ابوبصیر، مجموع فتاوی شیخ ابوبصیر طرطوسی، ص ۱۰.

۲. جودت یوسف، مسلم، اشکالیه العمليات الإستشهادیه، ص ۲.

۳. فلسطینی، ابوالحسن، البشری المهدیه لمنفذي العمليات الإستشهادیه، ص ۸۸؛ شاکر، محمود، الجهاد فی سبیل الله، ص ۱۳۱.

۴. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ج ۶۸۷۲، به توبیخ اسامه بن زید از جانب رسول خدا ﷺ اشاره دارد. مردی کلمه توحید را بر زبان جاری کرد؛ ولی اسامه به‌صرف نیت خوب، وی را کشت.

۵. مصباح یزدی، محمدتقی، جنگ و جهاد در قرآن، ص ۱۲۴.

۶. فقیه، محمد بن حسین، الکشف المبدی لِمَویه ابی الحسن السُبکی، ج ۱، ص ۳۱۰.

درستی داشته باشد.^۱ ممکن است سلفیه جهادی در انجام عملیات انتحاری، نیت و انگیزه خوبی داشته باشند ولی به خاطر فقدان «حُسن فعلی» در عمل آنها، نمی‌توان پذیرفت که عملیات انتحاری آنان وسیله‌ای برای تقرب به خدا و مورد تأیید شرع باشد.

شرط سوم: دشمن‌شناسی و متجاوز بودن دشمن

دشمن‌شناسی از موضوعات مهمی است که قرآن کریم به آن پرداخته است. در بیش از هزار آیه قرآن به مسئله دشمن‌شناسی و اهمیت این موضوع اشاره شده است.^۲ مهم‌تر از تعریف دشمن، تشخیص مصداق و شناخت دشمن است. از این رو در تعیین دشمن باید راه احتیاط را در پیش گرفت تا در ضرورت دشمن‌شناسی به بیراهه نرویم و هر فردی را به دشمنی متهم نکنیم. از مصداق دشمن در قرآن کریم، کافران هستند. خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا أَلَكُمُ عَدُوًّا مُّبِينًا﴾.^۳

دشمن‌شناسی غلط سلفیه تکفیری درباره شهروندان مسلمان کشورهای اسلامی، موجب شده است تا آنها در تشخیص موضوع به خطا رفته و اهل قبله را تکفیر کنند و این اشتباه، به عاملی اصلی برای انتحار و ترور منجر گردد.

اشکال: حاکمان و شهروندان کشورهای اسلامی کافر و مرتد هستند

سلفیه جهادی در مواجهه با انتقادهای علمای اسلام درباره مسلمان‌کشی به وسیله عملیات انتحاری و دیگر روش‌ها، مدعی هستند که مسلمانان به واسطه کفر، مرتد شده‌اند.^۴ آنان با تأسی از افکار محمد بن عبدالوهاب معتقدند که مسلمانان عصر حاضر، به جهت اعتقاد به توسل، استغاثه، نذر، ذبح، شفاعت و تبرک، مشرک هستند و شرک آنها از شرک مشرکان عصر رسول الله ﷺ بزرگ‌تر است.^۵ آنها حتی پا را فراتر گذاشته و موارد

۱. مصباح یزدی، محمدتقی، جنگ و جهاد در قرآن، ص ۱۲۴.

۲. <http://www.masjed.ir/fa/newsagen>.

۳. سوره نساء، آیه ۱۰۱.

۴. عبدالسلام فرج، محمد، الجهاد، ص ۵.

۵. طرطوسی، ابوبصیر، أعمال تخرج صاحبها من الملة، ص ۲۲۴؛ ابن عبدالوهاب، محمد، كشف الشبهات، ص ۳۳.

دیگری همچون دموکراسی، شرکت در انتخابات^۱ و مشارکت در مناصب دولتی را از دیگر مصادیق طاغوت و شرک بر می‌شمارند.^۲

پاسخ

سلفیه جهادی تکفیری، در تشخیص مصداق دشمن به خطا رفته‌اند و در قاموس فکری خود، ملاک‌هایی در نظر گرفته‌اند که هر کس با آن ملاک‌ها متوازن و هم‌خوان نباشد، در زمره کافران، مرتد‌ها و منافقان قرار می‌گیرد که در نتیجه با هر وسیله ممکن، آنها را باید به قتل رساند.^۳

خداوند می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَىٰ إِلَيْكُمْ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَايِمٌ كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا﴾؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون در راه خدا سفر می‌کنید خوب رسیدگی کنید و به کسی که نزد شما اظهار اسلام می‌کند، نگویید تو مؤمن نیستی تا بدین بهانه متاع زندگی دنیا را بجویید؛ چرا که غنیمت‌های فراوان نزد خداست. قبلاً خودتان نیز همین‌گونه بودید و خدا بر شما منت نهاد. پس خوب رسیدگی کنید که خدا همواره به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است.

نکات درخور توجهی در این آیه وجود دارد که افراط سلفیه جهادی تکفیری را در تکفیر مسلمانان به چالش می‌کشد:

۱. تحریم قتل و تعرض به کسی که اظهار به اسلام می‌کند؛ ﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَىٰ إِلَيْكُمْ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾.

۱. مقدسی، ابومحمد، حکم المشاركة في انتخابات المجالس التشريعية في بلاد الكفر الاصلي، ص ۲.
۲. مقدسی، ابومحمد، الجواب المفيد بأن المشاركة في البرلمان و انتخاباته مناقضة للتوحيد، ص ۵.
۳. عبدالسلام فرج، محمد، الجهاد، ص ۹.
۴. سوره نساء، آیه ۹۴.

بنا به برخی تفاسیر، این آیه به جریان اُسامه بن زید اشاره دارد. پیامبر ﷺ وی را به همراه گروهی عازم سریه‌ای^۱ کرد.^۲ اینان به مردی مسلمان برخوردند که به آنان گفت: «السلام علیکم، لا اله الا الله، محمد رسول الله»؛ اما اسامه او را کشت و مسلمانان گوسفندانش را به غنیمت بردند. بخاری می‌نویسد:

پس از این واقعه رسول خدا ﷺ اسامه را احضار کردند و فرمودند: «چرا کسی را که اظهار اسلام کرد، به قتل رساندی؟»^۳

اسامه همان پاسخی را داد که سلفیه جهادی تکفیری می‌دهند.

اسامه گفت که آن مرد از روی ترس و به صورت منافقانه کلمه توحید را بر زبان جاری کرد. رسول خدا ﷺ شدیداً اسامه را مورد توبیخ قرار دادند و فرمودند: «آیا تو سینه او را شکافتی تا به این یقین برسی؟». این مسئله به قدری اسامه را گرفتار عذاب وجدان کرد که اسامه می‌گوید که ای کاش به قبل از اسلام برمی‌گشتم و این خطا را مرتکب نمی‌شدم.^۴

۲. لازمه قتال و تکفیر، تحقیق است: «إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا».

آنچه در قواعد جهادی بسیار اهمیت دارد مسئله موضوع‌شناسی است. ابتدا باید موضوع را به درستی شناخت تا بتوان حکم را جاری کرد. خداوند در این آیه می‌فرماید: «تَبَيَّنُوا»؛ تحقیق و بررسی کنید. این جمله به قدری اهمیت دارد که خداوند این جمله را در این آیه دو بار تکرار کرده است. سؤال این است آیا سلفیه جهادی تکفیری در کفر و ارتداد مسلمانان تحقیق کرده‌اند؟ بنا بر آنچه خداوند در قرآن کریم فرموده است، موجبات ارتداد و کفر این است که مسلمان:

۱. اسلام را انکار کند.^۵

۱. به جنگ‌هایی اطلاق می‌شود که خود پیامبر ﷺ در آنها حضور نداشته‌اند.

۲. قرطبی، محمد بن احمد، تفسیر الجامع لأحكام القرآن، ج ۵، ص ۲۵۵؛ طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن،

ج ۳، ص ۹۸؛ حسینی بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۲۲.

۳. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ج ۸۷۲، ص ۶۸۷۲.

۴. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ج ۸۷۲، ص ۶۸۷۲.

۵. سوره بقره، آیه ۲۱۷.

۲. اصول دین را انکار کند.^۱

۳. ضروریات دین را انکار کند.^۲

۴. خدا و رسول او را استهزا کند.^۳

۵. به انبیا دشنام دهد و آنان را سب کند.^۴

کدام یک از این موارد را مسلمانان سوریه و عراق و دیگر کشورهای درگیر با سلفیه جهادی تکفیری مرتکب شده‌اند که کفر و ارتدادشان ثابت شود؟ با تأمل در این آیه فهمیده می‌شود که هرچند سلفیه جهادی تکفیری بگویند مسلمانان را «لله» می‌کشند، به‌خوبی می‌توان فهمید که قتال و عملیات فدائی^۵ آنان در راه خدا و برای خدا نبوده است؛ زیرا خداوند می‌فرماید که اگر برای من و در راه من می‌خواهید جهاد کنید باید دوست و دشمن را به‌دقت و درستی بشناسید. لازمه تشخیص دشمن از دوست این است که باید با جدیت تحقیق و بررسی کرد؛ زیرا پیکار برای خداوند نباید کورکورانه و متعصبانه باشد.^۶ انسان اگر بخواهد کاری را با خیال و گمان انجام دهد، در بسیاری از اوقات به اشتباه می‌افتد و خداوند اجازه نداده است که فرد مسلمان، بدون تحقیق، به میدان جهاد وارد شود.^۷

تعریفی که سلفیه جهادی از مسلمان بودن یک فرد ارائه می‌دهند، تعریفی نیست که قاطبه اهل سنت و شیعه ارائه داده‌اند. علمای مذاهب اسلامی، کسی که شهادتین را بر زبان

۱. سوره مائده، آیه ۷۲.

۲. سوره نساء، آیه ۱۵۱.

۳. سوره توبه، آیات ۶۴ تا ۶۶.

۴. سوره توبه، آیه ۷۴.

۵. عملیات فدائی به عملیاتی گفته می‌شود که شخص، جان خود را به‌خاطر نجات جان، مال، دین یا وطن خویش و دیگران فدا می‌کند.

۶. ملازهی، محمدعمر، تفسیر تبیین الفرقان، ج ۷، ص ۳۶۵.

۷. قرطبی، محمد بن احمد، بدایة المجتهد و نهاية المقتصد، ج ۱، ص ۲۵۳؛ طوسی، محمد بن حسن، الخلاف، ج ۱، ص ۷۱۶؛ عمرانی، یحیی بن سالم، البیان فی مذهب الإمام الشافعی، ج ۲، ص ۸۶؛ خطاب، محمد بن محمد، مواهب الجلیل فی شرح مختصر خلیل، ج ۲، ص ۲۰۸.

جاری کند، مسلمان می‌دانند و اجازه اقتدا به او در نماز را صادر کرده‌اند.^۱ اما سلفیه تکفیری علاوه بر جاری کردن شهادتین بر زبان، شرایطی را برای شهادتین بر می‌شمارند که فرد باید به آن شرایط التزام عملی داشته باشد.^۲ آنان علاوه بر شرایط گذشته، حقوقی را برای شهادتین ذکر کرده‌اند که فرد باید حق شهادتین را نیز ادا نماید. آنان معتقدند کسی که فاقد یکی از شرایط سه‌گانه فوق باشد، کافر است؛ حتی اگر به مسلمان بودن خود اقرار کند.^۳

شرط چهارم: دفاع از مصالح مسلمانان و ضربه‌زدن به نیروهای نظامی متجاوز

اسلام احکام دفاعی را در برابر کافران حربی و دشمنان متجاوز تشریع کرده است و باید توجه داشت که قتل و تعرض به برخی افراد منتسب به دشمن اعم از زنان، کودکان، مجانین و سفرا را منع کرده است.^۴ لازم به ذکر است که اگر برخی فقها از باب ضرورت، آن هم با شرایط خاص خود، کشتن غیرنظامیان در کنار نظامیان دشمن را اجازه داده‌اند، از باب «دفع افسد به فاسد» است؛ البته فقط در برخی موارد خاص مانند تترس^۵ و آن هم به دلیل بالابودن اهمیت مسئله است.^۶

اشکال: همان‌گونه که کافران، زنان و فرزندان ما را هدف قرار می‌دهند، ما نیز همان‌گونه رفتار می‌کنیم

سلفیه تکفیری که مسلمانان را کافر می‌پندارند، با تمسک به برخی آیات، بر این باورند که از جانب شرع منعی برای کشتار غیرنظامیان دشمن اعم از زنان، کودکان، بیماران،

۱. قرطبی، محمد بن احمد، بدایة المجتهد و نهاية المقتصد، ج ۱، ص ۲۵۳؛ طوسی، محمد بن حسن، الخلاف، ج ۱، ص ۷۱۶؛ عمرانی، یحیی بن سالم، البيان في مذهب الإمام الشافعی، ج ۲، ص ۸۶؛ خطاب، محمد بن محمد، مواهب الجلیل فی شرح مختصر خلیل، ج ۲، ص ۲۰۸.
 ۲. بی‌نام، هذه عقیدتنا و منهجنا، ص ۱.
 ۳. همان، ص ۱ و ۲.
 ۴. علاء‌الدین کاشانی، ابوبکر بن مسعود، بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، ج ۷، ص ۱۴۱؛ خطاب، محمد بن محمد، مواهب الجلیل فی شرح مختصر خلیل، ج ۶، ص ۳۱۴؛ ابن‌ادریس، محمد بن احمد، السرائر، ج ۳، ص ۵۰۸؛ طوسی، محمد بن حسن، المبسوط، ج ۲، ص ۱۲.
 ۵. تترس به معنای کسی را سپر قرار دادن است.
 ۶. جمعی از نویسندگان، الموسوعة الفقهية الكويتية، ج ۱۶، ص ۱۶۲.

سفر او غیره وجود ندارد.^۱ اگر آنان به زن و مرد و کوچک و بزرگ رحم نمی کنند، مدعی هستند که به سنت سلف و تکلیف الهی عمل می کنند.^۲

سلفیه تکفیری، مقابله به مثل را دلیل قتل غیرنظامیان ذکر می کنند.^۳ آنها با استفاده از آیاتی همچون آیه «فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ»،^۴ آیه «وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ وَجِزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا»^۵ و آیه «وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ»^۶ سعی دارند توجیه عمل خود را قصاص کشته های خود برشمارند.

پاسخ

لازم است قبل از پرداختن به اشکال، در پاسخ به سلفیه جهادی تکفیری مقدمه ای بیان شود. خداوند متعال قتل غیرنظامیان و افرادی را که اهل قتال نیستند، تحریم کرده است. خداوند در آیه ۱۹۰ سوره بقره می فرماید: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَقَاتِلُوكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»؛ و در راه خدا با کسانی که با شما می جنگند، بجنگید؛ ولی از اندازه درنگذريد زیرا خداوند تجاوزکاران را دوست نمی دارد. این آیه بیان گر نکاتی مهم در مسئله قتال و جهاد است. هنگامی که خداوند اذن جهاد را صادر نمود، قتال را به رعایت نکاتی جدی مشروط دانست که از جمله آنها، عدم زیاده روی در کشتار است. در این آیه قیودی ذکر شده است که با عملکرد سلفیه تکفیری متفاوت است.

۱. قتال باید «فی سبیل الله» باشد. فی سبیل الله یعنی هم حُسن فاعلی و هم حُسن فعلی داشته باشد. این مطلب بدان معنا است که اسلام هدف از جنگ را احیای کلمه الله و ابطال کلمه باطل می داند.^۷ متأسفانه سلفیه تکفیری در عملیات انتحاری خود، نه تنها به

۱. عیبری، یوسف، حقیقة الحرب الصليبية الجديدة، ص ۸ و ۹.

۲. جمعی از نویسندگان، تساؤلات و شبهات حول مجاهدین و عملیاتهم، ص ۳ و ۴.

۳. عیبری، یوسف، حقیقة الحرب الصليبية الجديدة، ص ۸ و ۹.

۴. سوره بقره، آیه ۱۹۴: «پس هر کس بر شما تعدی کرد، همان گونه که بر شما تعدی کرده است بر او تعدی کنید».

۵. سوره شورا، آیه ۴۰: «و کسانی که چون بر ایشان ستم رسد، یاری می جویند و جزای بدی مانند آن بدی است».

۶. سوره نحل، آیه ۱۲۶: «و اگر عقوبت کردید، همان گونه که مورد عقوبت قرار گرفته اید متجاوز را به عقوبت رسانید و اگر صبر کنید البته آن برای شکیبایان بهتر است».

۷. سید رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة، حکمت ۳۷۳؛ طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان، ج ۲، ص ۶۱.

دین خدا و مسلمانان هیچ کمکی نکرده‌اند، بلکه اسلام‌هراسی را در جوامع بین‌المللی و ناامنی را در بین مسلمانان ایجاد کرده‌اند.

۲. «الَّذِينَ يقاتِلُونَكُمْ» قید دیگری است که در این آیه وجود دارد و در واقع به جنگ با افرادی اشاره دارد که اقدام به تجاوز و جنگ می‌کنند، نه هر کسی که استعداد و توانایی جنگ کردن داشته باشد. از این رو افرادی که قابلیت جنگ کردن را ندارند نباید کشته شوند؛ مانند پیرمردان ضعیف، زنان، کودکان، معلولان، مجانین و راهبان گوشه‌گیر.^۱ به عبارتی دیگر با کسی که با تو سر جنگ ندارد، اقدام به قتل نکن.^۲

۳. «وَلَا تَعْتَدُوا». اعتدا به معنای «خروج از حد» است و یکی از مصادیق آن، قتل زنان و کودکان است.^۳ طبری می‌نویسد: «مراد از «لَا تَعْتَدُوا»، این است که کودکان، زنان، اهل کتاب و مجوس را که جزیه می‌دهند، نباید کشت.»^۴ آلوسی معتقد است که نباید در هنگام قتل، به سال خوردگان، کودکان و زنان تعرض کرد و با تکیه به روایت ابن عباس معتقد است که نباید بدون دعوت به دین خدا، آغازگر جنگ و قتل بود.^۵ صاحب أنوار القرآن که گزیده‌ای از سه تفسیر فتح القدير شوکانی، ابن کثیر دمشقی و تفسیر المنیر وهبه الزحیلی است، بیان می‌کند که «وَلَا تَعْتَدُوا» به معنای نهی از تجاوز در اثنای جنگ و نهی از قتل زنان و کودکان و پیرمردان غیرمحراب است.^۶

۴. «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ». خداوند تجاوزکنندگان از حد و کسانی را که در ریختن خون دیگران زیاده‌روی می‌کنند، دوست نمی‌دارد. همان کسانی که حرام خدا از جمله کشتار زنان و کودکان مشرکان را حلال می‌شمارند، امروزه نیز خون مسلمانان را حلال می‌شمارند. بسیاری از علمای اهل سنت و حتی ابن تیمیه نوشته‌اند:

۱. ملازهی، محمدعمر، تفسیر تبیین الفرقان، ج ۴، ص ۱۶۵.
۲. طبری، محمد بن جریر، تفسیر جامع البیان عن تأویل القرآن، ج ۲، ص ۲۲۷.
۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان، ج ۲، ص ۶۱ و ۶۲.
۴. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۱، ص ۴۵۸؛ طبری، محمد بن جریر، تفسیر جامع البیان عن تأویل القرآن، ج ۲، ص ۲۲۹.
۵. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی: فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ج ۲، ص ۶۴۸.
۶. مخلص، عبدالرئوف، تفسیر أنوار القرآن، ج ۱، ص ۲۲۲.

هرگاه پیامبر ﷺ لشکر نظامی خود را به جنگ می‌فرستاد، دستورالعمل‌هایی در قالب سخنرانی برای آنان ارائه می‌فرمود. از جمله این دستورالعمل‌ها این بود که به یاران و فرماندهان خود دستور می‌دادند که در جنگ با دشمنان، مراقب کودکان باشید و آنان را نکشید.^۱

پیامبر اکرم ﷺ هرگاه می‌شنیدند که در جنگ یا واقعه‌ای کودکی کشته شده است، در اعتراض می‌فرمودند: «چرا برای برخی افراد، کشتن تا بدین حد عادی شده است که کودکان را به قتل می‌رسانند؟ برحذر باشید از کشتن کودکان».^۲

در منابع شیعه و سنی روایات بسیاری وجود دارد که پیامبر اکرم ﷺ از کشتن زنان نهی کرده‌اند.^۳ متأسفانه آمارها نشان می‌دهد که در عملیات انتحاری، تعداد درخور توجهی از قربانیان انتحاری، زنان هستند که هیچ‌گونه دخالتی نظامی ندارند. سالمندان، سفرا و دیپلمات‌ها نیز که از نظر قوانین بین‌المللی مصونیت دارند، همانند زنان در خلال این عملیات‌ها کشته می‌شوند.

بنا بر گزارش‌های رسیده از سلف صالح و صحابه کرام، مجاهدان واقعی اسلام در اجرای این امر دقیق عمل می‌کردند. آنها مراقب بودند که اگر با زنی از کافران در حین کارزار مواجه می‌شدند، شمشیرهای خود را از وی برمی‌گرداندند.^۴

اما در پاسخ به آیاتی که سلفیه تکفیری به آنها تمسک کرده‌اند^۵ باید گفت که خداوند در آیات سه‌گانه می‌فرماید که به هر شکل و به هر صورتی که متجاوزان به شما تعدی

۱. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، دقائق التفسیر، ج ۲، ص ۳۷ و ۳۸؛ ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند الإمام احمد بن حنبل، ج ۳۰، ص ۲۳؛ صنعانی، عبدالرزاق بن همام، المصنف، ج ۵، ص ۲۱۸؛ ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، ج ۳، ص ۷۵.

۲. دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، ج ۳، ص ۱۶۰۱.

۳. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ج ۳۰۱۴؛ نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۱۷۴۴؛ فتح‌الله، وسیم، الأربعون للإستشهادیة، ج ۱، ص ۱۶.

۴. ملازهی، محمدعمر، تفسیر تبیین الفرقان، ج ۴، ص ۱۶۵.

۵. سوره بقره، آیه ۱۹۴: ﴿فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ﴾؛ سوره شورا، آیه ۴۰: ﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ وَجِزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا﴾؛ سوره نحل، آیه ۱۲۶: ﴿وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ﴾.

کردند، شما هم به همان شکل پاسخ دهید. این مقابله به مثل باید مبتنی بر قوانین اسلامی باشد؛ نه اینکه به صورت دل خواه و با پیروی از دلایل غیرعلمی انجام گیرد.

این آیات در رابطه با مسلمانی است که در حق او ستم و ظلمی صورت گرفته باشد؛ نه کسی که ظالم است و در مواجهه با پاسخ ظلم خود از جانب مظلوم و ستمدیده، خود را مستحق قصاص بداند و به این آیات تمسک کند. سلفیه تکفیری بدون توجه به اینکه خود آنان متجاوز هستند و به حریم مسلمانان تعدی کرده اند، می گویند که اگر غیرنظامیان را به وسیله عملیات انتحاری قلع و قمع می کنند، به خاطر این است که جواب بدی را باید با بدی داد^۱ و همان گونه که مردم سوریه، عراق و دیگر کشورهای اسلامی به ما حمله می کنند و ما را از بین می برند، ما نیز طبق آیات سه گانه قرآن کریم در پاسخ به این کشتارها زنان و فرزندان مسلمانان را می کشیم.^۲

اگر بر فرض، سلفیه تکفیری را مُحَقِّق بر قصاص بدانیم و آیات را مطابق با ادعای آنان تصور کنیم، باید اعتراف کرد همان گونه که آنان به شرایط استشهاد ملتزم نیستند، به آیات سه گانه هم پایبند نیستند. خداوند می فرماید که شما حق دارید در برابر تعدی ها، قصاص و مقابله به مثل کنید؛ ولی این بدان معنا نیست که برای مقابله به مثل می توان به هر شیوه ای متوسل شد. شیوه های غیرانسانی و وحشیانه ای که سلفیه تکفیری به کار می برند و یکی از آن شیوه ها عملیات انتحاری است، با کدام منطق و قصاص در اسلام، قابل پذیرش است؟ آموزه های اسلامی بر آن بوده که همیشه باید به ظاهر افراد حکم کرد و این حکم، هم در اعتقادات و هم در فقه اهمیت بسزایی دارد. در روایاتی که بخاری از عملکرد پیامبر ﷺ نقل می کند آمده است:

هنگامی که رسول خدا ﷺ در برابر قومی برای جنگ قرار می گرفت، حمله نمی کرد تا آنکه صبح می شد. اگر صدای اذان را از ایشان می شنید، [از جنگ] خودداری می کرد و اگر صدای اذان را نمی شنید، پس از آنکه صبح می شد، حمله می کرد.^۳

۱. به آیه ۴۰ سوره شورا اشاره دارد.

۲. عیبری، یوسف، حقیقة الحرب الصلیبیة الجديدة، ص ۸ و ۹.

۳. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ج ۳، ۲۹۴۳.

نتیجه

با بررسی‌های صورت‌گرفته روشن شد که به‌جهت عدم‌التزام سلفیه جهادی به شرایط و ضوابط استشهاد، عملیات‌هایی که آنان در قالب استشهاد انجام می‌دهند، مشروعیتی ندارند. اگرچه آنها از این عملیات‌ها با عنوان «استشهاد» یاد می‌کنند ولی حقیقت این است که «عملیات استشهادی» مورد تحریف قرار گرفته است و نامی که می‌توان برای آن برگزید، «عملیات انتحاری» است. توجیهات سلفیه جهادی در کشتار زنان و کودکان و تمامی غیرنظامیان، هرگز پذیرفتنی نخواهد بود؛ زیرا تمامی قواعدی که آنها نام می‌برند، در مواجهه با دشمنان متجاوز موضوعیت دارد، نه مسلمانان غیرمتجاوز بومی شهرهای اسلامی. از این رو عملیات‌های سلفیه جهادی هیچ ارتباطی با اسلام و قوانین جهادی اسلام ندارند و رفتارهای آنان هرگز مورد تأیید اسلام نخواهد بود.

منابع

۱. قرآن کریم.

- <https://archive.org/details/MujahidBag2>
<https://archive.org/details/MujahidBag2>
<https://archive.org/details/MujahidBag2>
<https://archive.org/details/MujahidBag2>
<https://archive.org/details/MujahidBag2>
<https://archive.org/details/MujahidBag2>
<https://archive.org/details/MujahidBag2>
<https://archive.org/details/MujahidBag2>
۲. ابن عبدالوهاب، محمد، **كشف الشبهات**، عربستان: وزارة الشؤون الإسلامية و الأوقاف و الدعوة و الإرشاد، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۳. ابن ادريس، محمد بن احمد، **السرائر**، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
۴. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، **دقائق التفسیر**، تحقیق: محمد سید الجلیند، دمشق: مؤسسة علوم القرآن، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
۵. ابن حنبل، احمد بن محمد، **مسند الإمام احمد بن حنبل**، تحقیق: شعيب الأرنؤوط و عادل مرشد و دیگران، بی‌جا: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
۶. ابن فارس، احمد، **معجم مقاییس اللغة**، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، بیروت: دار الفكر، ۱۳۹۹ق.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، بیروت: دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۸. انصاری، ابوهارث، **الأصول الجهادية**، بی‌جا: دار الجبهة، چاپ اول، ۱۴۲۹ق.
۹. ایوب، حسن، **الجهاد و الفدائية في الاسلام**، بیروت: دار الندوة الجديدة، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۱۰. آلوسی، محمود بن عبدالله، **روح المعاني؛ في تفسير القرآن العظيم و السبع المثاني**، تحقیق: سیدعمران، قاهره: دار الحديث، ۱۴۲۶ق.
۱۱. بخاری، محمد بن اسماعیل، **صحیح البخاری**، ریاض: دار السلام للنشر و التوزیع، چاپ دوم، ۱۴۱۹ق.
۱۲. بهوتی، منصور بن یونس، **كشف القناع عن متن الإقناع**، بیروت: دار الفكر، ۱۴۰۲ق.
۱۳. بی‌نام، **هذه عقیدتنا و منهجنا**، سایت آرشیو، لینک:
۱۴. ترمذی، محمد بن عیسی، **سنن الترمذی**، تحقیق: بشار عواد معروف، بیروت: دار الغرب الإسلامي، ۱۹۹۸م.

۱۵. تکروری، نواف هایل، **العمليات الإستشهادية في الميزان الفقهي**، دمشق: دار الفكر، چاپ چهارم، ۱۴۲۳ق.
۱۶. جبير، هاني بن عبدالله، **العمليات الإستشهادية صورها وأحكامها**، رياض: دار الفضيلة، چاپ اول، ۱۴۲۳ق.
۱۷. جرادی، محمد وليد احمد، **الإرهاب في الشريعة والقانون**، بيروت: دارالنفايس، چاپ اول، ۱۴۲۹ق.
۱۸. جمعی از نویسندگان، **الفتاوى الشرعية الصادرة عن قطاع الإفتاء و البحوث الشرعية**، كويت: وزارة الأوقاف و الشئون الإسلامية، چاپ اول، ۱۴۲۹ق.
۱۹. جمعی از نویسندگان، **الموسوعة الفقهية الكويتية**، كويت: وزارة الأوقاف و الشئون الإسلامية، چاپ پنجم، ۱۴۲۹ق.
۲۰. جمعی از نویسندگان، **تساؤلات و شبهات حول مجاهدين و عملياتهم**، سايت آرشیو، لينك: <https://archive.org/details/MujahidBag2>
۲۱. جمعی از نویسندگان، **موسوعة الفتاوى الفلسطينية**، قبرس: نشر بيت المقدس للدراسات التوثيقية، چاپ دوم، ۱۴۳۳ق.
۲۲. جودت يوسف، مسلم، **اشكالية العمليات الإستشهادية**، سايت آرشیو، لينك: <https://archive.org/details/MujahidBag2>
۲۳. حسان، عبدالحكيم، **الانتصار للمجاهدين برد الشبهات المثارة للخروج عن الحکام المرتدين**، سايت آرشیو، لينك: <https://archive.org/details/MujahidBag2>
۲۴. حسینی بحرانی، هاشم بن سليمان، **البرهان في تفسير القرآن**، بيروت: دار إحياء التراث العربي، چاپ اول، ۱۴۲۹ق.
۲۵. خطاب، محمد بن محمد، **مواهب الجليل في شرح مختصر خليل**، بيروت: دار الفكر، چاپ سوم، ۱۴۱۲ق.
۲۶. حقى، احسان، **أفغانستان نشأتها و كفاحها**، بيروت: دار الفكر، چاپ اول، ۲۰۰۴م.
۲۷. حمود، سامى بن خالد، **الأعمال الفدائية**، رياض: مكتبة الرشد، چاپ اول، ۱۴۳۳ق.
۲۸. خمينى، سيدروح الله، **صحيفة نور**، قم: نشر مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى (ع)، ۱۳۶۸ش.
۲۹. دارمى، عبدالله بن عبدالرحمن، **سنن الدارمي**، تحقيق: حسين سليم اسد دارانى، عربستان: دار المغني، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۳۰. ركابى، صادق عبدعلى، **الانتحار الجماعي**، قاهره: مكتبة المدبولي، چاپ اول، ۲۰۱۴م.
۳۱. زبيدى، محمد بن محمد، **تاج العروس من جواهر القاموس**، تحقيق: جمعی از محققان، بى جا: دار الهداية، بى تا.
۳۲. زهرى غمراوى، محمد، **السراج الوهاج؛ على متن المنهاج**، بيروت: دار المعرفة، بى تا.
۳۳. سلوم، يوسف ابراهيم، **معجم المصطلحات العسكرية**، مدينه: مكتبة العبيكان، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.

۳۴. سید رضی، محمد بن حسین، **نهج البلاغة**، مترجم: سیدجعفر شهیدی، تهران: نشر علمی و فرهنگی، چاپ بیست و هشتم، ۱۳۸۷ ش.
۳۵. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، **الدر المنثور في التفسير بالمأثور**، تحقیق: عبدالرزاق مهدی، بیروت: دار إحياء التراث العربي، بی تا.
۳۶. شاکر، محمود، **الجهاد في سبيل الله**، بی جا: مکتبة العبيکان، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.
۳۷. صائغ، انیس، **الموسوعة الفلسطينية**، بیروت: هیئت الموسوعة الفلسطينية، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.
۳۸. صنعانی، عبدالرزاق بن همام، **المصنف**، تحقیق: حبیب الرحمن اعظمی، هندوستان: المجلس العلمي، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
۳۹. طباطبائی، سید محمدحسین، **المیزان؛ في تفسير القرآن**، تهران: دار الکتب الإسلامية، بی تا.
۴۰. طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البيان في تفسير القرآن**، بیروت: مؤسسة التاریخ العربي، بی تا.
۴۱. طبری، محمد بن جریر، **تفسير جامع البيان عن تأويل القرآن**، بیروت: دار إحياء التراث العربي، چاپ اول، بی تا.
۴۲. طرطوسی، ابوبصیر، **أعمال تُخرج صاحبها من الملة**، سایت آرشیو، لینک:
۴۳. طرطوسی، ابوبصیر، **مجموع فتاوی شیخ ابوبصیر طرطوسی**، سایت آرشیو، لینک:
۴۴. طوسی، محمد بن حسن، **الخلافة**، تحقیق: جمعی از محققان، قم: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين، ۱۴۰۷ ق.
۴۵. طوسی، محمد بن حسن، **المبسوط**، قم: المکتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، بی تا.
۴۶. طویان، عبدالعزیز بن صالح، **جهود الشيخ محمد الأمين الشنقيطي في تقرير عقيدة السلف**، ریاض: مکتبة العبيکان، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.
۴۷. عبدالسلام فرج، محمد، **الجهاد؛ الفريضة الغائبة**، سایت آرشیو، لینک:
۴۸. علاءالدین کاشانی، ابوبکر بن مسعود، **بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع**، بیروت: دار الکتب العلمية، چاپ دوم، ۱۴۰۶ ق.
۴۹. عماد، عبدالغنی، «المفاهيم و الأفكار و العقائد المحورية للحركات الإسلامية»، **كتاب الحركات الإسلامية في الوطن العربي**، بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربية، چاپ اول، ۲۰۱۳ م.
۵۰. عمران، یحیی بن سالم، **البيان في مذهب الإمام الشافعي**، تحقیق: قاسم محمد نوری، جده: دار المنهاج، ۱۴۲۱ ق.
۵۱. عیبری، یوسف، **حقيقة الحرب الصليبية الجديدة**، بی جا: بی نا، چاپ دوم، ۱۴۲۲ ق. سایت آرشیو، لینک: <https://archive.org/details/MujahidBag2>
۵۲. فتح الله، وسیم، **الأربعون الإستشهادية**، سایت آرشیو، لینک:

۵۳. فراء، محمد بن حسین، **الأحكام السلطانية**، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ دوم، ۱۴۲۱ق.
۵۴. فريد، احمد، **السلفية؛ قواعد و أصول**، قاهره: دارالعقيدة، چاپ اول، ۱۴۲۴ق.
۵۵. فقيه، محمد بن حسین، **الكشف المبدی لتمدیه أبی الحسن السبکی**، تحقیق: صالح بن علی محسن و ابوبکر بن سالم شهال، ریاض: دار الفضيلة، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۵۶. فلسطینی، ابوالحسن، **البشرى المهدية لمنفذی العمليات الإستشهادية**، سایت آرشیو، لینک: <https://archive.org/details/MujahidBag2>
۵۷. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، **القاموس المحيط**، بیروت: مؤسسة الرسالة، چاپ هشتم، ۱۴۲۶ق.
۵۸. قرطبی، محمد بن احمد، **بداية المجتهد و نهاية المقتصد**، قاهره: دار الحديث، ۱۴۲۵ق.
۵۹. قرطبی، محمد بن احمد، **تفسير الجامع لأحكام القرآن**، تحقیق: عماد زکی بارودی و خیری سعید، بی جا: المكتبة التوفيقية، ۲۰۰۸م.
۶۰. کیخا، علیرضا، **مرداب انتحار**، قم: سپهر آذین، چاپ اول، ۱۳۹۲ش.
۶۱. مخلص، عبدالرئوف، **أنوار القرآن**، تربت جام: شیخ الاسلام احمد جام، چاپ چهارم، ۱۳۸۸ش.
۶۲. مرتضی، محمد محمود، **صناعة التوحش؛ التكفير و الغرب**، بیروت: دار الولا، چاپ اول، ۱۴۳۷ق.
۶۳. مصباح یزدی، محمدتقی، **جنگ و جهاد در قرآن**، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ سوم، ۱۳۸۷ش.
۶۴. مقدسی، ابومحمد، **الجواب المفید بأن المشاركة في البرلمان و انتخاباته مناقضة للتوحيد**، سایت آرشیو، لینک: <https://archive.org/details/MujahidBag2>
۶۵. مقدسی، ابومحمد، **حكم المشاركة في انتخابات المجالس التشريعية في بلاد الكفر الأصلي**، سایت آرشیو، لینک: <https://archive.org/details/MujahidBag2>
۶۶. ملا محمدعلی، امیر، **مبانی فقهی عملیات استشهادی؛ از دیدگاه شیعه و اهل سنت**، قم: نشر زمزم هدایت، چاپ اول، ۱۳۸۵ش.
۶۷. ملازهی، محمدعمر، **تفسير تبیین الفرقان**، بی جا: نشر شیخ الاسلام احمد جام، چاپ اول، ۱۳۸۵ش.
۶۸. نفیسی، عبدالله فهد، **الإسلام و الخروج على الحاكم**، سایت آرشیو، لینک: <https://archive.org/details/MujahidBag2>
۶۹. نیشابوری، مسلم بن حجاج، **صحيح مسلم**، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقي، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.
۷۰. هاشم، محمد یونس، **المدارس السلفية و جدلية النقل و العقل و المصلحة**، مکه: دار زهور المعرفة و البركة، چاپ اول، ۱۴۳۴ق.